

جامانده راهپیمایی بزرگ اربعین!

چند سالی است که از شکل‌گیری راهپیمایی حماسی و بی‌نظیر و عظیم راهپیمایی اربعین می‌گذرد.

همایشی ده‌ها میلیونی از طیف‌های مختلف مردم کشورمان که از هر شهر و روستا و با هر شغل و جایگاه و با هر زبان و

گویش و از کودک و نوجوان گرفته تا بزرگسال و کهنسال همه و همه در ایام اربعین یکرنگ و یکدل ،پاه پای هم عزم سفر کربلا و زیارت سالار شهیدان کرده و در این مسیر طولانی و پرییچ و خم، صحنه‌هایی زیبا رقم می‌زنند که در دل خود واجد ماجراها و داستان‌هایی با قابلیت‌های دراماتیک و سینمایی هستند.

در کنار این راهپیمایان، خیل موبک‌هایی که در این مسیر مشغول خدمت هستند و مستقبلاً راهپیمان اعم از هموطنان عزیزمان در شهرهای مرزی که مخلصانه و با هر وسع و توان هر چه دارند در طبق اخلاص گذاشته و به پذیرایی از کاروانیان و خدمات‌رسانی به زائران کربلا می‌پردازند و همچنین مستقبلاً عراقی که آنان نیز عاشقانه و بی‌پایه استقبال از مردم کشورمان می‌شتابند، باز هم هر یک داستان‌ها، ماجراها و خرده‌پیرنگ‌هایی دارند که با تعمق در آنها می‌توان به گوهرها و قصه‌هایی ناب برای خلق آثار داستانی و سینمایی ماندگار و تأثیرگذاری دست یافت.

به اینها اضافه کنیم خیل زوار عراقی از یک‌سو و نیز عزیمت عاشقان اابعبد... (الحسین(ع) را از اقصی نقاط جهان به کربلا و حتی مردمانی غیرمسلمان از کشورهای غربی که ندای آزادی‌ی امام حسین(ع) و حریت آن بزرگوار، جذب‌شان کرده و در کربلا به خیل عاشقان حسین(ع) پیوسته و همه و همه اعم از ایرانی و عراقی و پاکستانی، هندی، افغانستانی، شیعه، سنی و مسیحی و از شرق تا غرب عالم گرفته، در این ایام تابلویی زیبا و پرشور را رقم می‌زنند که در این تابلو مردمانی عاشق با هر کیش و رنگ و ملیت به سمت حرمی نورانی در حرکتند که پیام آزادی‌گشای برای همه نسل‌ها و قرن‌ها زنده و ماناست.

با این همه جای افسوس دارد که با گذشت چند سال هنوز سینمای کشورمان نتوانسته آتچنان که باید در ابعاد داستانی و سینمایی درجه‌ای به سمت این واقعه برمعنا گشوده و چند اثر به‌یاد ماندنی و روشنگرانه را برای جهانیان در باب این بزرگ‌ترین تجمع بشری و پیام آزادی خواهانه‌اش رقم بزند.

راهپیمایی بزرگ اربعین چه از نظر محتوا و چه به لحاظ دراماتیک و چه از منظر بصری قابلیت‌های بی‌نظیری برای انعکاس بر پرده عریض سینما دارد و حیف است که سینمای ایران یک جامانده بزرگ از خیل کاروانیان اربعین باشد.

در شرایطی که رسانه‌ها و سینمای جهان چشم بر حقیقت بزرگ راهپیمایی عظیم اربعین بسته‌اند، می‌طلبید سینمای ایران خود پیشقدم شده و با تولید آثاری عمیق و عظیم، این حقیقت ناب را در منظر جهانیان قرار دهد.



رئیس سازمان سینمایی درحالی از برگزاری جلسه شورای سینما با حضور معاون اول رئیس‌جمهور خبرداد که بیشتر وعده داده بود شورای عالی سینما را با حضور رئیس‌جمهور احیا خواهد کرد.محمد خرازی از برگزاری جلسه شورای سینما با حضور معاون اول رئیس‌جمهور همزمان با روزملی سینما خبر داد. وی افزود: این جلسه با حضور اعضای حقیقی و حقوقی شورا روز دوشنبه هفته آینده همزمان با

تصمیم‌گیری برای سینما در غیاب رئیس‌جمهور

روز ملی سینما برگزار می‌شود.رئیس سازمان سینمایی با اشاره به جایگاه شورای سینما و نقش آن در بهبود وضعیت سینما گفت: این شورا در راستای هم‌افزایی و تقویت میان بخش‌های سیاستگذاری، اجرایی، نظارتی، آموزشی، مطالعاتی، علمی و تولیدی در حوزه هنر و صنعت صوت و تصویر و سینما با همت و تلاش وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی احیا شده است. خرازی ادامه داد: ازجمله وعده‌های

فردا سالمرگ جلال آل احمد است

چشم‌های بسته سینما به یک روشنفکر توفنده

می‌تواند فیلم را پریهیجان‌تر کند، یکی که هر دو نفر داستان نویس، مترجم و شیفته ادبیاتند پس نوشته‌های هم را می‌خوانند و نقد می‌کنند و در کنار هم می‌نویسند و ترجمه می‌کنند و به نوعی مکمل یکدیگر در ادبیاتند، این را هم در برانتز بگویم که به نظر من سیمین داستان‌نویس بهتری است اما جلال نقش مهمی در تحول نثر فارسی در روزگار ما دارد و آنچه از قلم او باقی مانده است، پرخون، زنده، موجز و بسیار جذاب است. هنوز هم خیلی‌ها سعی می‌کنند از نثر شلاقی او تقلید کنند اما دست‌شان زود رومی‌شود. در این سال‌ها روقت «فردیدی»‌ها چیزی نوشته‌اند که بوی قلم جلال می‌دهد، خواننده حرفه‌ای ادبیات می‌داند که از روی دست چه کسی رونویسی می‌کنند اما بحرانی هم در این میان زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، این‌که نمی‌توانند بچه‌دار شوند. داستان این بحران را جلال در خودافشاگری عجیبش در «سنگی بر گوری» نوشته است. کتابی که گرچه یک اثر ماندگار در ادبیات امروز ایران است اما سیمین را از این صراحت شوهرش در بازگویی رازهای خانوادگی دلخون می‌کند.

آدم‌های دیگر

یکی از جذابیت‌های داستان‌های زندگینامه‌ای این است که با بازسازی شخصیت‌هایی که برای مخاطب آشناست، لذت دوباره دیدن شخصیت‌های مشهور و موثر تاریخ را بر پرده سینما به آنان می‌دهد. جلال از این منظر سوزۀ خوبی است. طیف گسترده آدم‌هایی که با او حشر و نشر یا حتی جدال داشته‌اند، آن قدر متنوع است که فیلمی براساس زندگی جلال کلکسیونِی از بازسازی آدم‌های مشهور می‌شود. یک نگاه خیلی سرسری به نام‌ها بیندازیم: امام خمینی که جلال و شمس با ایشان دیدار کرده‌اند، آیت‌ا... طالقانی، دکتر شرعی، چهره‌های مشهور حزب توده و جبهه ملی، مظفر بقایی، نیما، سیدموسی صدر، ابراهیم گلستان، شاملو، پرویز داریوش، فروغ، اخوان و....

نقطه پایان

معمولا داستان‌های زندگینامه‌ای به فصل مرگ که می‌رسند، جذاب‌تر می‌شوند. از این منظر هم می‌توان نگاهی متفاوت به مرگ جلال داشت. می‌توان روایت‌های متضاد را کنار هم قرار داد

سازمان سینمایی در دوره جدید، احیای شورای سینما بوده است که خوشبختانه هفته آتی شاهد برگزاری اولین جلسه رسمی آن نیز خواهیم بود.وی درحالی از تحقق وعده خود مبنی بر «احیای شورای سینما» خبر می‌دهد که در مهرماه ۱۴۰۰ از «احیای شورای عالی سینما» و برگزاری اولین جلسه این شورا با حضور رئیس‌جمهور خبر داده بود. /روابط‌عمومی سازمان سینمایی



ظرفیت پذیرش فیلم کمدی تمام شده است

فیلم سینمایی «تارا» به کارگردانی کاوه‌قهرمان از اولین آثار سینمایی است که با مدیریت جدید هنر و تجربه در این گروه اکران شده است. این کارگردان با بیان این‌که دو مسأله مهم در برابر سینمای جدی وجود دارد، گفت: اولین نکته دیدگاه معاونت سازمان سینمایی است که با تغییر دولت تغییر می‌کند و سیاستگذاری‌ها برخی مواقع تبدیل به مانعی در برابر این سینما می‌شود و نکته دیگر به دیدگاه سینمادار و پخش‌کننده مربوط است. به عنوان فیلمساز باید بگویم هر دو مورد در مسیر درستی حرکت نمی‌کنند؛ دیدگاه مدیریت مشغول ایجاد محدودیت در موضوع و محتوای آثار است و سینماداران نیز به‌نوعی مشغول همین کار هستند. وی گفت: ما باید راهکاری پیدا کنیم و وقتی برای نجات به اکران فیلم‌های هندی روی می‌آوریم خود نشان از یک عقبگرد ۴۵ ساله است که یک چراغ خطر مهم است و نشان می‌دهد ظرفیت پذیرش فیلم‌های کمدی تمام شده و سینما به فیلم‌های متفاوت نیاز دارد. / ایلنا



اگر من یک بلوند بودم

کارگردان مطرح مکزیکي در پاسخ به نقدهای نژادستیزانه فیلم جدیدش می‌گوید که اگر من یک بلوند بودم، می‌توانستم درباره چیزهایی که در فیلمم گفته‌ام، حرف بزنم اما حالا که مکزیک‌ی‌ام گویا نمی‌توانم درباره هویت و مهاجرت مردم کشورم صحبت کنم! «الخاندرو ایناریتو» که با فیلم جدیدش «باردو» در جشنواره ونیز حاضر شده است، در پاسخ به منتقدانی که فیلم او را درباره مردم مکزیک و مهاجران آن، یک فیلم خودشیفته و خویش‌دانه دانسته‌اند، گفت: این فیلم مظهر خودشیفتگی نیست اما این حق را دارم که بدانم برای چه نباید درباره چیزی که برای من و خانواده‌ام مهم است، فیلم نسازم؟ شاید اگر اهل دانمارک یا سوئد بودم، من را فیلسوف می‌دانستند، اما چون از نظر بصری فیلم تأثیرگذاری ساختم‌ام متظاهرم، چون مکزیکي هستم؟ اگر مکزیکي باشید و چنین فیلمی بسازید متظاهرید و ساخته سفیدپوستان حتی اگر همین سوزۀ را داشته باشد از سوت تمام منتقدان و تحلیلگران تایید شده و حمایت می‌شود. این کارگردان مطرح مکزیکي سرانجام نکته مهم در هالیوود را بیان می‌کند و می‌گوید که به نظر من، یک نوع جریان پنهان نژادستیزی وجود دارد. / ایستا



وقتی تنگ دست می‌گیری...

«سیانور»، دومین فیلم سینمایی بلند بهروز شیبی است که سال ۱۳۹۵ ساخته شد. مسعود احمدیان نویسنده و سید محمود رضوی تهیه‌کننده این فیلم بودند که در آن مهدی هاشمی، آتیلا پسیانی، بابک حمیدیان، پدرام شریفیان، هانیه توسلی و بهنوش طباطبایی بازی می‌کردند. یکی از دیالوگ‌های ماندگار این فیلم که به ماجرای اختلافات درون سازمانی و دستگیری اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در دهه ۵۰ می‌پردازد، این دیالوگ است که نویسنده بر زبان صمدیه لباف (با بازی بابک حمیدیان) گذاشته است:

وقتی تنگ دست می‌گیری باید بدونی به کی نباید شلیک کنی.

